



ای خداوند جان و خرد چه بزرگ است نیروی تو و چه زیاد است آرزوی من در انجام خدمت به تو ، تا این که به پیروی از فرمانت با نیروی پارسایی و مهربانی به یاری و حمایت از بیچارگان و ناتوانان برخیزم .  
گاتھا ، بسنا ۳۴ ، هات ۵

## در صفحات دیگر

برسرهفت سین دلها

گزارش

صفحه ۴

دعای تحویل سال

چکاوک

صفحه ۷

ستایش اشوزر تشت

ادب و هنر

صفحه ۵

یادها و یادگارها

گونگون

صفحه ۶

درفش کاویان

نوشتار

مرادی غیاث آبادی

صفحه ۳



## همراه با تازه شدن جهان تازه گردانیم اندیشه را و بشویم از غبار تیرگی و کدورت دل ها را

### سخن نخست ۱

مسافران سر رسید . همین چند وقت پیش بود که او را در میان سرسبزی بدرقه کرده بودیم و تن به سرمای خشک و سخت سپرده بودیم . اما او باز هم از راه مهر و وفا باز می آید . او باز می آید تا روز نو از پی سال کهنه سر رسد و حدیث سرما و سختی رخت بر بندد . دیر سالیانی است که او می آید و با آمدنش رخوت و سستی از میان ما آدمیان می زاید . دیر زمانی است که ما ایرانیان به پاس سبزی قدمش جشن می گیریم و شاید به این دلیل است که هیچ گاه و در هیچ شرایطی باور به آن کمرنگ نشده است .

اینک سالی دیگر به پایان رسید و بهار تا چندی دیگر می آید تا ما آدمیان ، آغاز را بار دیگر تجربه کنیم ، و رویش و پوشش طبیعت را بنگریم ، شور و ولوله پرندگان را در یابیم و خود نیز تحول را تجربه کنیم . به تحول و به نو شدن بپردازیم و آن را در گفتار و کردار جاری سازیم .

طی سالی که گذشت همه دوستانمان در امرداد صادقه و خالصانه بدون هیچ چشم داشتی تلاش کردند تا شما خوانندگان حاصل کارنامه یک ساله آنها را با رضایت خاطر ورق بزنید . آنها بسیار کوشیدند و بسیار ناملیمات دیدند و بسیار شکیبایی به خرج دادند ، چرا که اگر از تحول و نو شدن می گوئیم نخست خود باید آن را در وجود مان و اندیشه مان جای دهیم و نهادینه کنیم و دوستانمان در امرداد در این راه بسیار کوشیدند . آنها گذشت و بخشش را به راستی ، سرلوحه کار خود قرار دادند و بسیاری از ناملیمات و کونه فکری ها را تحمل کردند و از آن گذشتند .

آرزو می کنیم که سال جدید پر از خبرهای خوب و مسرت بخش برای جامعه زرتشتی باشد و ما نیز منعکس کننده آن ها . آرزو می کنیم مسولان و دست اندرکاران جامعه زرتشتی در سال جدید با همت و پشتکار و باوری عمیق تر به مردم به امور مربوط به مسایل و مشکلات جامعه بپردازند و ما شاهد تحول خوبی در این عرصه ها باشیم .

اینک سالی دیگر را در کنار شما خوانندگان آغاز می کنیم . آرزو می کنیم که بتوانیم امرداد را در سال جدید به همت و تلاش دوستانمان پر بار تر از گذشته به دستتان برسانیم .

دیگر فرصتی نیست . بهار مهبای آمدن است . آیا ما هم مهبای استقبال هستیم ؟  
نو شدن روز و ماه و سال بر شما خجسته باد .

پیچ ها و در گویی ها سعی در درک متعلق به جامعه می گردد، قرار فرخنده یک شانس بزرگ را به همه مسایل کنیم بدون آنکه بتوانیم گرفته اید ؟

حقایق را آنگونه که هست کشف امروز زمان آن است که از خود به آمدن مرادها دیگر به صحنه فرهنگی زرتشتیان ایران و با از میان بردن ترس از «در دسترس قرار گرفتن تمامی جزئیات» می توان ، می کردیم اما نه به طور کامل و نه به اطلاعات لازم را به ما برساند ؟

آن دسته از اطلاعات جامعه باید توضیح بدهیم که آن بخش زرتشتی که در بخش شفاف مدیریت همه دست اندرکاران امرداد یعنی جوانان با غیرت و با عزت و با آزاده شما در این هدف استوارند و با راستی و درستی چون همیشه همراه و همگام با شما مردم خوب ، سعی در رساندن اطلاعات طبقه بندی شده جامعه آن مطلع نبوده ایم و شاید هیچگاه آگاهی های نو به شما دارند .

آرمان داریم سال نو سرشار از نیکی و شادزیوی و درست زیوی برای ایرانیان و زرتشتیان سراسر جهان باشد .

سال نو جمشیدی بر شما خجسته باد .  
مدیر مسول

آنگاه که شاخه های خشک درختان جوانه میزنند و زمین رو به گرمی می رود، دلهای زرتشتیان برای اجرای مراسم زیبایی که به جمشید می رسد ، آنچنان در سینه می تپد که شکوه و عزت تاریخ بی کران ایران را به چشمان رشک بار جهانیان می نمایاند .

زیبایی این جشن کهن ، ازلی بودن آن است . همانگونه که کسی نیست تا بگوید جمشید در چه زمانی می زیست ، کسی هم نیست تا آغاز بر این جشن به گمان خود آورد . به همین سبب زرتشتیان همراه با همه ایرانیان و فارسی زبانان سراسر جهان دل در گرو فرا رسیدن نووز بسته اند و برآمدن خورشید نخستین روز سال نو جمشیدی را انتظار می کشند .

چند روزی پیش ، به آن روز گرامی باقی نیست و می رود تا یک سال به عمر امرداد افزوده شود . پس از نزدیک به ۲ سال که از آغاز انتشار امرداد می گذرد، راه پر مسوولیتی که در پیش روی داریم را بیش تر و بهتر درک می کنیم و می شناسیم .

امروز که چند قدمی تا سال نو مانده است، امید داریم و آرزو می کنیم که در سال نو بتوانیم خوشگاری دینی و اجتماعی خود را بهتر و نیکوتر از گذشته به انجام برسانیم و نکته اساسی در میان افزایش نسی آگاهی های اجتماعی زرتشتیان است .

از همان زمان که انتشار امرداد را با یاری و مهر و استواری برخی از جوانان زرتشتی آغاز کردیم ، به خوبی آگاه بودیم کار بزرگی را تجربه می کنیم که در دوران کنونی از جمله امور سخت و پرنج است . اما باوری در ما می جوشید و آن این بود که جامعه زرتشتی از پس سالها بی برنامهگی و ناسامانی می رود تا سامانی یابد .

رسانه های گروهی، هر از گاهی همچون خورشید از میان ابرهای سیاه و کبود رخ می نمایانند ، برخی از آنان شاید پس از مدتی دوباره سر در نقاب ابرها کشند و تا مدتی از نظرها ناپدید شوند . اما گرمای فرده همان چند لحظه در برابر هنگامه

نامیومن نبودنشان کافی است . زرتشتیان ایران تجربه وجود نشریه های می کشند ، ماهنامه زرتشتیان نیز در زمان خود بسیار پر ارزش و گرانبها بود . چنانچه اگر آن نشریه امروز هم توسط انجمن زرتشتیان تهران منتشر شود، ارزش های خاص خود را خواهد داشت . میچله فروهر هم به مثابه پرچمدار فرهنگ و ادب زرتشتیان کار و کوشش حسنگی ناپذیری را با سبک و وسایق خود همچنان دنبال می کند . از این ، او را از واقعیات نیک و گاهی هم خوشحالیم که با وجود اینکه بسیاری از امکانات مورد لزوم را در اختیار نداشته ایم ، اما سرمایه ای بسیار بزرگ را در اختیار خود گرفته بودیم و آن هم چیزی نبود (و نیست) جز مسوولگی و سوبی انرژی های نهفته در وجود اوهورایی جوانان زرتشتی ایران زمین .

عید نوروز جمشیدی از ژرفای تاریخ ایران ودر سپیده دم بی آغاز آن برخاست و از دوران گوناگونی از چیرگی یونانیان تا حمله تازیان و بعد حملات مغول و تاتار گذر کرد و با پشت سر نهادن حکومت ها و شاهان مستبد ، خود را به ما رساند . امروز نه تنها ایرانیان بلکه بسیاری از ملل دیگر همراه با ایرانیان ، نوروز را به عنوان جشنی بزرگ و ملی گرامی می دارند . رسیدگی به مستمندان ، دهش و کمک ، خانه تکانی و تمیز کردن خانه ، پرسه آخر سال ، آماده شدن برای پذیرایی از روان در گذشتگان ، هم پرگی خانواده های عزیز از دست داده ، دید و بازدیدهای نوروزی ، عیدی دادن ، عیدی گرفتن ، سفره هفت سین ، خرید شیرینی و ماهی قرمز ، سبزی پلوماهی ... و شادی و رامشینی تا روز عید بزرگ یعنی جشن زایش اشوزرتشت ، همه و همه مفاهیمی هستند که با خون و رنگ ما زرتشتیان و ایرانیان هم بسته اند . یکی دیگری از عادات ایرانیان در ایام ناچار بودیم تا از برآمد شایعات و پیچ این عید باستانی و کهن ، رفع سوء تفاهات و

## دیه اقلیت های دینی با افراد مسلمان برابر می شود

میزان دیه اقلیت های دینی شناخته شده در قانون اساسی ایران در صورت موافقت ولایت فقیه با افراد مسلمان برابر می شود.

مستولان قوه قضاییه در نشستی که هفته گذشته برگزار شد، با الحاق یک تبصره به ماده ۳۰ قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۰ در مورد چگونگی دیه دمی و تساوی اقلیت های دینی با افراد مسلمان تصمیم گرفتند.

در این مصوبه مقرر شد در مورد دیه اقلیت های دینی، رئیس قوه قضاییه با مقام معظم رهبری استعلام و راه یادگانه ابلاغ کند. دادگاه نیز مکلف است مطابق نظر مذکور با رعایت سایر

در تهران و یزد صورت گرفت

## گرامی داشت یاد مانجی لیمجی هاتریا

آیین یاد بود وروانشاد مانجی لیمجی هاتریا در شهرهای یزد و زرتشتیان تهران برگزار می شد با تهران برگزار شد. به گزارش خبرنگار امرداد، آئین یاد بود وروانشاد مانجی لیمجی هاتریا در شهرهای یزد و زرتشتیان تهران برگزار می شد با تهران برگزار شد. به گزارش خبرنگار امرداد، آئین یاد بود وروانشاد مانجی لیمجی هاتریا در شهرهای یزد و زرتشتیان تهران برگزار می شد با تهران برگزار شد.

پیش از این قرار بود این آیین هاتریا، از بزرگان و خبرنگاران جامعه زرتشتی بود که اخذ داد و دهمین سال لروز درگذشت فرمان لگوکم جزیه زرتشتیان وی برگزار شود که بنا به دلایلی از نادرالدین شاه، پایه ریزی این گزارش می افزایش: آیین یادبود توسط دو دوازدهمین سالگرد و بسیاری کارهای نیک دیگر از مانجی لیمجی هاتریا پسین روز اقدامات اوست. آرامگاه او در ۱۴ اسفند ماه در تالار خسروی دامنه کوه بی بی شهربانو قرار برگزار شد.

همکاران: آذر نورافروز، کیوان هور، پروین بهمنی، آتوسا ماندگاری، فریبا سرداری، شهرزاد دهموید، پیمانته سروش پور، شیوا شهریار زاده، آتوسا نورافروز، شهرام پوردهی، مهین دخت دهنادی

## نوروز جمشیدی متولد شد

نوروز جمشیدی پس از سالیان بی شمار اسماں نیز دوباره به دنیا آمد. به گزارش خبرنگار امرداد، زایش نوروز جمشیدی که در روز ۲۹ اسفند ماه به وقوع پیوست، همزمان با شکوفه دادن درختان و سبز شدن سبزه ها و چیده شدن سفره هفت سین است.

این گزارش می افزاید: تک تک هموندان گروه خبر امرداد، زایش این نوروز جمشیدی را برای دومین سال پیاپی شادباش گفته و امیدوارند تا سالی پر بار و سرشار از پیروزی را در کنار شما داشته باشند. عمو نوروز نیز در گفتگویی با خبرنگار ما این شادباش خجسته را به تمام همکیشان گرامی شادباش گفت.

## بودجه اهدایی ریاست جمهوری به کوشک ورجاوند اختصاص یافت

۲۰۰ میلیون تومان بودجه اختصاص یافته از سوی ریاست جمهوری جهت امور ورزشی برای ساخت همایشگاه کوشک ورجاوند اختصاص یافت. به گزارش خبرنگار امرداد، در خصوص دیه اقلیت های دینی با افراد مسلمان برابر می شود.

## قدردانی از جانبازان اقلیت های دینی

بنیاد جانبازان تهران به مناسبت روز جهانی مبارزه با تبعیض نژادی از جانبازان اقلیت های دینی استان تهران قدردانی کرد. به گزارش خبرنگار امرداد، در این آیین قدردانی، فرخ میزبانان مکان دشت بهشت در خیابان اوین رئیس کمیسیون فرهنگی انجمن برگزار شد، لوح قدردانی به کلرغ زرتشتیان تهران به نمایندگی از مهری و بروز رستمی از جانبازان زرتشتیان و اسقف اعظم ارمانه زرتشتی اهدا شد. گلرغ مهری حضورداشتند.



در دومین برگ این دفتر گشوده باز هم نتوانستیم چیزی بنگاریم. برای دومین سال متوالی قلم را در دست های لرزانمان گرفتیم اما نتوانستیم بر این لوح سفید در ادامه اندیشه های پاک شهزادی، این بزرگ مرد تاریخ دینمان حتی یک واژه بیفزاییم.

گرچه باز دفتر را گشودیم اما در طوبیت قطره اشکی که بر کاغذ چکیده نوشتیم: «روایت شد، به امید روزی که توان آن را بیابیم که رهروان شایسته راحت باشیم».

دفتر را بستیم به امید آنکه در سال جدید با شکفتن جوانه های بهاری، جوانه های اندیشه مان نیز بشکفتد و شاید بتوانیم واژه ای بنگاریم...

## توسط مجمع همگانی

## تراز نامه سال ۷۹ انجمن زرتشتیان تهران تصویب شد

بزرگ و زمین های مارکار یزد بود، تا در قراردادهای اجاره قصر فیروزه تجدید نظر کند که با موافقت مجمع ما، موردت به هیات مدیره داده شد. در حاشیه: تنها حدود ۶۰ نفر از همکیشان در مجمع شرکت داشتند که حدود ۳۰ نفر از آنها هموندان انجمن و کارکنان دبیرخانه بودند.

ترازنامه و بیلان مالی سال ۷۹ که در اختیار باشندگان در مجمع قرار گرفت، فاقد امضاء رییس و خزانه دار پیشین انجمن و خزانه دار کنونی انجمن بود. رستم گوهری زاده و مهریان بهمردی رییس و خزانه دار پیشین انجمن زرتشتیان تهران تنها ترازنامه های آزمایشی را امضاء کرده اند. به دلیل تاخیرموند دکتر جهانگیر اشیدری، نشست با حدود یک ساعت تاخیر آغاز به کار کرد.

به غیر از هموندانی که دوباره در مجمع شرکت کردند، دوره آرمایش، بودند، هیچ یک از هموندان گردش ۲۸ انجمن زرتشتیان تهران در این مجمع حاضر نبودند.

## تالار خسروی باز سازی می شود

کار خود ادامه می دهد و پس از آن تالار برای بازسازی در اختیار انجمن قرار می گیرد. بهای برنامه بیزی انجمن زرتشتیان تهران قرار است کار بازسازی تالار تا پایان اردیبهشت ماه به پایان رسیده و دوره آرمایش، تمام و راه اندازی تا ۱۴ خرداد انجام و بهره برداری نهایی از مجموعه تالارهای پذیرایی از روز ۱۵ خرداد ماه آغاز شود.

تراز نامه مالی سال ۷۹ مربوط به گردش ۲۸ انجمن زرتشتیان تهران مورد تصویب مجمع همگانی این انجمن گرفت.

به گزارش خبرنگار امرداد، مجمع همگانی نوبت دوم انجمن زرتشتیان تهران با تعداد ۲۸ نفر عضو در تالار خسروی و با حضور تعداد بسیار اندکی از همکیشان با دستور شنیدن گزارش کار گردش ۲۸ انجمن و تصویب تراز نامه و بیلان مالی سال ۷۹ برگزار شد.

در این نشست، نخست پنج نفر از همکیشان به عنوان هیات ریسه مجمع برگزیده شدند که به ترتیب:

رستم وحیدری (رییس)، دینیار خسروی (نایب رییس)، فریبرز شید(منشی)، و پرویز اهورایی و پروین پرستار (ناظر)، هموندان این هیات ریسه بودند.

در ادامه خدایار معاونت از طرف هیات مدیره گردش ۲۹ انجمن زرتشتیان تهران، گزارش کار مالی صورت گرفت. همچنین برخلاف دستور نشست مجمع، هیات ریسه به هیات مدیره

## انجمن زرتشتیان تهران

تصمیم دارد از روز ۲۵ اسفند ماه کار بازسازی آشپزخانه و راهرو های تالار خسروی را آغاز کند.

به گزارش خبر نگار امرداد، باز سازی تالار خسروی مربوط به آشپز خانه، پلکان و راه های دسترسی رابرگزیند. این گزارش می افزاید: جمشید هوشنگی مدیریت کنونی تالار پذیرایی تا تاریخ ۲۵ اسفند ماه به

عنوان هموندان اصلی و تهمینه پوررستمی هموند جانشین هیات بازرسان اعلام شده اند. انتخابات هیات مدیره کانون به گزارش خبرنگار امرداد، در این نشست سدرای نماینده وزارت کشور در امور اقلیت های دینی در بخشی از سخنان خود خوانی و تلاش ما این است که رعایت حقوق اقلیت های دینی در کشور به نقطه مطلوبی برسد. وی در ادامه افزود: دولت اصلاحات تلاش بسیاری کرده تا حقوق اقلیت های دینی به رعایت شود و این درحالی است که کشورهای دیگر هم نمی توانند ادعا کنند که حقوق اقلیت را به خوبی رعایت می کنند.

در این نشست پس از انتخاب هیات ریسه و تصویب گزارش عملکرد و ترازنامه مالی هیات مدیره گردش شانزدهم، انتخابات برگزار شد و مجمع همگانی از میان ۱۵ نامزد هموندی در هیات مدیره ۷ نفر را به عنوان هموند اصلی و ۳ نفر را به عنوان هموند جانشین، و همچنین ۲ نفر به عنوان هموند اصلی و یک نفر جانشین از میان ۴ نامزد هموندی هیات بازرسان برگزید. بنا بر اعلام کانون دانشجویان زرتشتی، آرمین هورمزدی (دبیر)، رشید شهرت (دبیر دوم)، بهرام مزداپور (خزانه دار)، بینا کاجیان (منشی)، بهرام اشیدری، شیرین رستمی و ترانه سربای هموندان اصلی و فرناز غیبی و کاوه مهرپانی هموندان جانشین هیات مدیره گردش ۱۷ هستند.

همچنین بنا بر اعلام این کانون، آذین سربای و شاهین شاینده به

## برای نخستین بار

### انتخابات انجمن زرتشتیان مزرعه کلانتر

انجمن زرتشتیان مزرعه کلانتر با انتخاب هموندان هیات مدیره گردش نخست، آغاز به کار می کند.

به گزارش خبرنگار امرداد، همزمان با زایش اشورزشت در ششم فروردین نخستین انتخابات هیات مدیره انجمن زرتشتیان مزرعه کلانتر در تالار جانباخته رستم آدریاد واقع در همایشگاه دینی و فرهنگی مزرعه کلانتر برگزار می شود. بنا بر این گزارش: از میان ۱۵ نفر نامزد انتخاباتی که نام چند نفر خانم نیز به چشم می خورد، دو نفر بازرز ۹، نفر به عنوان هموندان اصلی هیات مدیره برگزیده می شوند و یک دوره سه ساله فعالیت می کنند. نعمتی یک مقام مسوول در استانداری یزد در این باره به خبرنگار ما گفت: تا به امروز ۱۳ نفر زرتشتی در محله های یزد، کوجه بیوک، اهرستان، رحمت آباد، نرسی آباد، نصرت آباد، قاسم آباد، مریم آباد، نفت و توابع، شریف آباد، خرمشاه، مزرعه کلانتر و واله آباد تشکیل شده اند و به صورت رسمی فعالیت می کنند.

## درگذشت

### رییس انجمن زرتشتیان اصفهان

رئیس انجمن زرتشتیان اصفهان روز شنبه ۱۱ اسفندماه برابر با سروش ایزد درگذشت.

به گزارش خبرنگار امرداد، روانشاد سروش سربای رییس انجمن اصفهان روز شنبه ۱۱ اسفندماه در اصفهان در گذشت. وی در سال ۱۳۱۲ در شهر یزد به دنیا آمد و تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در یزد، و تحصیلات عالی خود را در رشته پزشکی در دانشگاه شیراز (پهلوی سابق) به پایان برد.

این گزارش می افزاید: وی پس از استخدام در وزارت بهداری به مدت سه سال در بهداری کرمان و بیمارستان مهرابی در خدمت جامعه بود.

دکتر سروش سربای ۲۸ سال در انجمن زرتشتیان اصفهان به همکیشان اصفهانی خدمت کرد.

# آیین آفرینش درفش کاویانی در سرزمین درفش های برافراخته

مراسم جشن نوروز یا میله گل سرخ در بلخ و مزار شریف

رضا مرادی غیاث آبادی

می کردند، آیا می دانستند که پس از سالیانی دراز، بازماندگانشان دگر باره دست های خود را به سوی این یادمان های گرانبیایه نیاکان ایرانی دراز می کنند و سلاح های خود را به سوی تندیس های فرازمند "بامیان بامیک"، تندیس بودای مظهر صلح و آشتی، نشانه می روند و حتی مانع برگزاری جشن گل سرخ می شوند؟

اما به راستی امروزه نیز مردمان بلخ و بادغیس و هرات، آن مرز پروان و بامیان و خججریان، آن مردمان شبرغان و سمنگان و بغلان و بدخشان و آن شیران تخار و دره پنج شیر، داند چاره کار را نرم نرمک. و اینان اینک ششبه همان ترانه ای را می سرایند که پیش از این پدرانشان برای پسر هیم ساخته و طبری آنرا روایت کرده است و هنوز هم در افغانستان سروده می شود:

از ختلان آمدیه برو سیا آمدیه  
آواره باز آمدیه خشک و نزار آمدیه  
آیین برافراشتن درفش در بلخ باستانی یا مزار شریف امروزی که در بیست کیلومتری بلخ واقع است، پیشینه ای چند هزار ساله دارد. در اوستا، بلخ با پازنام "سریرام اردوو درفشم" همراه است، به معنای "بلخ زیبا یا درفش های برافراخته". تعبیری که در ادبیات پهلوی و در شاهنامه فردوسی بگونه "بلخ بامی" -بلخ درخشان- ماندگار شد.

"درفش های برافراشته" به پایتختی و مرکزیت بلخ اشاره می کند، جایگاهی که سرداران و نمایندگان سرزمین های ایرانی درفش های خود را کنار یکدیگر و در پیرامون درفش کاویانی، در "انجمن گاه نوبهار" و در آغاز هر بهار بر می افراخته اند و یگانگی، یکرنگی و همبستگی همه مردمان ایرانی را پیمان می گذاردند و یادآوری می کردند. به گمان نگارنده، درفش که امروزه در مزار شریف برافراشته می شود، "درفش کاویانی ایران" است. چرا که درفش کاویانی آنگونه که در شاهنامه فردوسی به روشنی بیان شده است، با سه پارچه سرخ و زرد و بنفش، آذین

این روزها "افغانستان" محور بسیاری از بحث ها و گفت و گو های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در جامعه ماست. کشوری که پس از تحمل سال ها درگیری و کشمکش، اینک نخستین بهار آزادی را جشن خواهد گرفت. وابستگی ها و گرایش های فرهنگی اجتماعی ایران و افغانستان ریشه در تاریخ گذشته دارد. اینک در بهارانی که پس از سالها "توروز" بدون حضور مهاجمان و دشمنان، جشن گرفته می شود نگاه می کنیم به یکی از زیباترین آیین های این سرزمین.

شهر بلخ در شمال افغانستان امروزی و در نزدیکی رود آمودریا (جیحون) قرار داشته است. مردمان این شهر پس از ویرانی آن بدست «قیس بن هیم»، شهر جدید بلخ را در بیست کیلومتری شرق آن بنا کردند که امروزه به نام "مزار شریف" شهرت دارد.

چند هزار سال است که یکی از بزرگترین، شکوهمندترین، زیباترین و مردمی ترین جشن های گروهی نوروزی در میان همه سرزمین های ایرانی، در شهر بلخ، در این پایتخت باستانی ایرانی و با برافراشتن درفش سه رنگ کاویانی، در میان انبوهی از مردمانی که از دوردست ها گرد آمده اند و در میان شادی کودکان، سرودهای زیبای دختران، دعای مادران، آرزوها و آمل پدران و در کنار بنای فرخنده و ورجاوند مزار شریف، مزار نمادین نیاکان ایرانیان و در میان دشت شادبان، دشتی دور کرانه و آکنده از گل های سرخ لاله، برگزار می شود.

اما در چند سال اخیر در این سرزمین درفش گل سرخ به اهتزاز درنیا آمده است. آن روز که مهاجمان مرکوبشان را در آب های پاک و گرامی بلخ رود فرو بردند و از گشگاه و انجمن گاه رایومند نو بهار بلخ، آن جایگاه گردهمایی سرداران سرزمین های ایرانی و آن جایگاه اهتزاز درفش های نمایندگان ایرانی تنها ویرانه ای بر جای گذاشتند و پیکره های شکوهمند و ستاره آذین آنها بی خورد

## شباباش نوروزی

نو گردانیم به نوروز اندیشه را

نوروز: جهان کهن که گوئی تاریخ ایران و چنان پایدار همانند فرهنگ ایران. جشنی پر شکوه، با سنت ها و آیین های ویژه؛ گذران در زمان، تازه کننده طبیعت و جان و دگرگون ساز اندیشه و روان. به گاه بهار، با داد ازلی اش، زندگی نو می شود؛ در درون و از برون.

سنت ها را سالها پاس داشته ایم و در نوروز برون را، همه ساله. با شادی. دگرگون ساخته ایم و پاک: نوروز و شادی مان ماندگار.

... اما، اندیشه، گفتار و کردار مان چه؟ یک گشته اند به نوروز های سالیان عمرمان، به راستی؟ بزرگ مرد اندیشه و راستی، آشور زشتت پاک، به روز خرداد از ماه فروردین، گیتی و مینو را به گذر اشا پیامبری آغاز کرد با وهومن.

بیاییم، ما که خود را پیروان وخشور می دانیم، از نوروز بزرگ اسما. خرداد روز و فروردین ماه با اراده ای رساخ و پشکناری سخت، در اندیشه مان، در زندگی و کارمان و... در ذره ذره وجودمان تحولی اساسی و بنیادی ایجاد نماییم. بسازیم خوبی ها را. بزادیم زنگارها را. به کنار نهم دشمنی ها و کینه ها را. به دور داریم دیو خودخواهی را و... همزوروییم، هما اشوییم.

می شود. نوروز - نخستین روز برج حمل - همه مردم شهر

شاهنامه، نیایشگاه نو بهار را قبله گاه ایرانیان گزارش کرده است:

به بلخ گزین شد بر آن نوبهار که بزادان پرستان بر آن روزگار  
مر آن خانه داشتند چنان که مر مکه را تا زین این زمان

مزار شریف نه تنها نام شهر، بلکه نام آرامگاه و مزاری با شکوه با بهترین نمونه های هنر معماری و کاشیکاری و آذین بندی ایرانی در دوره تیموری است، بنای این مزار به فرمان سلطان حسین باغرا و وزیرش امیر علیشیر نوابی بر بنیاد آرامگاه ناشناخته باستانی دیگری ساخته شده است.

امروزه برخی بر این گمانند که مزار شریف آرامگاه زرتشت است و این گمان دور از واقع به نظر نمی رسد. اما بیشتر مردمان شمال افغانستان بدون اینکه این مزار را به شخص خاصی منتسب کنند، از آن تنها با همین نام ناشناخته "مزار شریف" یاد می کنند.

نگارنده بر این گمان است که با نگرش به همه ویژگی های آیینی و زمانی مراسم مزار شریف، می توان از آن به نام "مزار نمادین ایرانیان" نام برد. بررسی بیشتر این موضوع به مقاله مستقل دیگری نیازمندی است.

در جشنگاه نوروزی یا میله گل سرخ در بلخ و مزار شریف امروزی، و در ساعت هشت بامداد

# امرداد جشن نوروز باستانی خجسته باد



## دفتر خدمات مسافرتی ایرانتور

شرکت با مسئولیت محدود

خیابان میرزای شیرازی، شماره ۸۱، تهران ۱۵۸۵۷

تلفن: ۷ - ۴۳۶۶ - ۸۳۰۴۳۷ - ۸۸۴۴۹۳۷

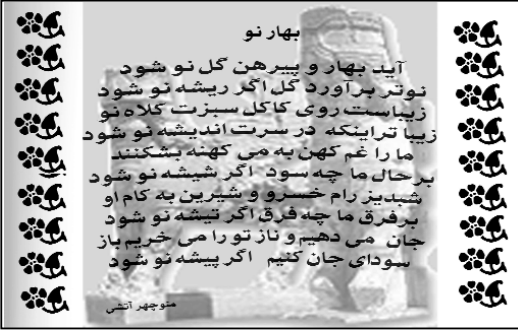
فاکس: ۸۳۰۶۹۹۱



دبیر روس: پریسا رستمی
amordad volume 40 tuesday march 12, 2002
E-mail: amordadab@hotmail.com

همکاران: فریبا سرداری، فریروز ماوندادی، پری کیومرثی، آرمیتا خوشرو
آرش نورافروز، مهرنوش مهربانی، فرانک سامیا

نفس باد صبا مشک فشان خواهد شد
عالم پیر دیگر باره جوان خواهد شد



بهار نو
آید بهار و بیهن گل نو شود
نوتر بر آورد گل اگر ریشه تو شود
زیباست روی کاکل سبیرت کلاه تو
زیبا تر اینکه در سرت اندیشه تو شود
ما را غم کهن به می کهنه بشکنند
بیرحال ما چه سود اگر شیشه تو شود
شیدیز رام خسرو و شیرین به کام او
بیرق فرقی اگر تیشه تو شود
جان می دهیم و ناز تو را می خیریم باز
سودای جان کنیم اگر پیشه تو شود
موجوده انش

پروین اعتماسی

نیلوفر گیاهیست از تیره نیلوفرهای آبی که نزدیک به آلاله هاست. نام لاتین آن لوتوس است و گیاهی است آبی. برگهای قلبی شکل و مسطح دارد که بر سطح آب شناورند. برخی نیلوفرهای بزرگ قادرند که وزن کودی را تحمل کند.
برهان قاطع درباره واژه نیلوفر می نویسد: نیلوفر کلی زیباست که با آفتاب از آب سرب می آورد و باز با آفتاب فرو می رود و نظامی درباره آن چنین می سراید:
چشم نیلوفر از شکنجه خواب
جان بر انداخته به قلعه آب

همچنین نیلوفر نام جشنی در ایران قدیم بوده است و همواره همراه با نام امرداد می آید. فارسیان بنا بر قاعده کلی این روز را عید کنند و جشن سازند و این جشن را جشن نیلوفر خوانند. نیلوفر در این روز هر حاجتی از پادشاه خواسته می شد روا می گشت. گویا در تاریخ در دستان پادشاهان مصری دیده شده است. بعد پادشاهان هخامنشی در سنگ نوشته های خود از آن استفاده کردند. نیلوفر در آیین مهر مظهر خورشید است و سبیلی آیینی به شمار می آید. در آیین هند و بودا نیز این گیاه به عنوان نماد مقدسی به کار می رود. پادشاهان هخامنشی به فرقه کبانی اعتقاد داشتند و به روایتی نام پس از فتح مصر بوسیله کمبوجیه و عبور از رود نیل به این گل داده شده است.
«امرداد» را به نام بزرگان دانش فرهنگ و هنر ایران را که نمادشاه و ایرانپاندد بنشاسیم و با بیان سرگذشت و زندگانی ایشان با شما همراه شده و در احساس سرفرازی و سربلندی با شما گرامیان شریک باشیم.

بانوی شعر ایران، پروین اعتماسی از مادری آذربایجانی و پدری در اصل آشتیانی به دنیا آمد. پدرش یوسف اعتماسی یکی از نویسندگان بزرگ عصر خویش و مشوق و راهنمای پروین بود. او نخستین شعرش را در هشت سالگی سرود. پروین تحصیلات متوسطه اش را در مدرسه دخترانه امریکایی تهران به پایان رسانید و در سال ۱۳۱۳ با پسر عموی پدرش ازدواج کرد که این ازدواج به شکست انجامید.
در سال ۱۳۱۴ نخستین باردیوان شعرش به چاپ رسید که با استقبال مردم مواجه شد. پروین در همه اشعارش دل و جان با دردمندان دارد. غمزه های مردمش را از زبان رخ و سوزن، عدس و ماش، سیر و پیاز و هزاران مساله دیگر را به سادگی و در عین حال قابل لمس مجسم می کند.
دیوانش یکی از الماسهای نایاب گوهر شب چراغ افسانه ای شعر زبان فارسی است، دیوانی است که از عشق و محبت ساخته و پرداخته شده است، عشقی که از عشقها جا جداست و اصطراب اسرار خداست، عشق رسیدن به حق و عشق به مردم، عشق به خدا و عشق یکی شدن با خداست. تعبیر و استنباط عرفانی در تمام دیوان و بخصوص در قصاید پررکن همه جا به چشم می خورد. این فکر با یکپارچگی و پختگی بیان شده است و نمی توان گفت مانند اغلب شعرا معاصر ما پروین یکمات و مفاهیم متصفوه را صرفا از روی عادت و سنت آورده باشد. اشعارش حاوی افکار پخته و هضم شده است و نشان می دهد که گوینده ای آنها حقیقتا به این سنخ فکری عقیده داشته است. عرفان منشا اصلی طرز تفکر آینده آیینی اوست. از روی این عقاید و بر طبق اصول آن، جهان و مسایل آن را تحلیل و حل و فصل می کند و گاهی نیز با بی قیدی و بی تفاوتی یک درویش و صوفی با حوادث برخورد می کند. اگر عرفان عقیده کلی و یکپارچه این دیوان هم نباشد، قضاید این دیوان بدون استفاده حاوی این طرز تفکر است. فکر اصلی همان فکر بی اعتباری دنیا، بی حرمت قدا قدر، کوری سرنوشت و وجود تقدی از لی ابیدی است. در تمامی اشعارش بر عقاید الهی را می توان دید. عدالتی که در پاسخ اعمال ماست.

هر چه کنی کشت همان بد روی
کار دونیک، جو کوه و صداست
همچنین پروین مقابل مقدراتی که به اسم قانون بر آدم تحمیل شده است طغیان می کند. تحمل بی عدالتی و زور را ندارد، رنج دیگران را با احساس شدید التاتیر خود اندازه می گیرد. برای دفاع از حق دلبرانه قیام می کند. اندوه تبار دردمندان را درون شکلی که می نمایاند، می بیند. شکایت سوز دگان در ضمیر لانتناهی درون پروین همیشه آه و ناله زود گذر نیست، این شکایت ها غالبا شکل ستیز و مبارزه می گیرند. پیرزن شجاع نظامی در کارگاه خلق پرورین در پیشگاه قیاد است، شاهنشاه سامانی را از ظلم بر مردمی دارد، دود و آه زندگی خدا را از آتش فساد او می داند، با جرات و جسارت شاه را از بدکاری ملامت می کند. با غضب روی دامن آلوده شاه انگشت می نهد، حکم دروغش را بر ملا و آشکار می سازد و درباریان را سفلو و بخیل می خواند. پروین در شانزدهم فروردین ۱۳۲۰ در ۲۴ سالگی به مرض حصبه در گذشت و در قم در مقبره خانوادگی کنار مزار پدرش، دفن شد. بخشی از قطعه بی که برای سنگ مزار خود سروده است به این قرار است:

بیند این بستر و عبرت گیرد
هر که باشی و به هر جا برسی
آخرین منزل هستی این است
چون بدین چه رسد سبکین است

ستایش اشو زرتشت

توران شیرازی

ای روح بزرگ و پاک زرتشت
ای آینه فروغ دادار
خیره است جهان به گاتهایت
بس قرن و هزاره ها به دوران
گفتار تو اوج استواری
دین تو نه دین جبر و زورست
در دین تو آدمی زیون نیست
آیین تو منطق است و بیش
دانا بزرگ و مهربان است -
همواره بود عدوی هومن-
اگره یمن زشت انگره یمن
این هر دو همیشه در نبردند
بنیان جهان بر این ستیزاست
در جنگ میان نیکی و بد
پیوسته ستوده ای خرد را
دانش، همه جا چراغ زاهت
پاکی است اساس کیش و دینت

بیکاری و کاهلی و سستی
دین تو هر دروغ عاریست
در کیش تو باروا سخن نیست
همواره ستوده ای جهان را
راه تو پهن ره و اشا است
اندیشه و گفت و کار نیکو
اول قدم خدا پرستی است
امید که پیروان زاهت
در راه تو استوار باشند
ای راهبر تمام دوران

اه ... مهر ... جاوید

در خجسته روز خرداد، ستاره مهر درخشید، نوروز راستی شکفت و ایران همواره جاوید گشت، زرین آفتاب و سیمین مینتاب همپیوند گشتند و ابرها گریستند. این بار بی هیچ اشکی، بی هیچ اندوهی و جهان بر خویش بالید. بالید بر بهار دله، بر بهار سبز گاتها، بر اشایی و اشویی، بر پیر مغان، زرتشت اسپنتمان، بارید بر واژگان آسمانی که فریادشان آزادی است، راستی است. فریادشان هومت و هوخت و هورشت است. و فریادشان عشق و جهان در نخست بزم خویش شراب عشق را نوشید و فریاد بر آورد؛ این است آیین کیش مزدایی. و در برگ برگ کسی، در اوج سبزی، در روزهای هستی، در فروردین و اردیبهشت و خرداد و ... ناشی، روایتش، مهرش، مهرش دانش دهنده چشم ها است و نوازشش گراست قصه ای قصه هایش در ادبیات کهن ایران زمین.

داستان کوتاه

به یاد دارم که روزی برای تحقیق در باب کسالت مختصری که بر من عارض شده بود، به کتابخانه (موزه) انگلستان رفتم ... ظاهرا کسالت من زکام نانچه بود. کتابی را که می خواستم به دستم دادند و به خواندن میخنی که با کسالت من مربوط بود مشغول شدم. بعد به عنوان تفریح، بدون اینکه قصدی داشته باشم، به ورق زدن کتاب پرداختم و به سرعت شرح یکایک امراض دیگری را که در آن کتاب نوشته شده بود، مطالعه کردم. درست نمی دانم از کدام مرض شروع کرده بودم، ولی همین قدر می دانم که کاملاً آن در وجود من مانند بالای وحشتناکی موثر افتاد، زیرا هنوز شرح (علامات ابتدایی) آن تاسف فهمیدم که نباید بداشتن مرض بدان مبتلا هستم و تمام علامات آن در من وجود دارد. اول قدری از ترس مهیوت شدم، ولی بعد با کمال نومییدی ورق کتاب را برگرداندم و به مطالعه فصلی که مربوط به حصبه بود پرداختم ... همین که علامات مقدماتی امراضی را می خواندم بی مرمدم که گرفتار حصبه هستم، حتی چندین ماه است که حصبه داشته و از آن غافل بوده ام. بعد فکر کردم که مبدا امراض دیگری هم داشته و غافل باشم. پس در ورق دیگری از کتاب به مطالعه فلان از داء الرزله پرداختم. معلوم شد که حصبه من خطا گرفته و از این مرض شریف هم محروم نیستم. آنوقت در صدد بر آمدم که اصلا تکلیف خود را روشن کنم و به همین قصد از اول کتاب، یعنی حرف الف، شروع کردم.
آله بوده و نومی دانستم! از روی علامتی که در کتاب ذکر شده بود، معلوم شد که این مرض تا پانزده روز دیگر به مرحله بحران خواهد رسید ... دوم باد مفاصل ... این مرض قدری خیال مرا راحت کرد، چون معلوم شد که خیلی شدید نیست و هنوز چند سالی به من فرصت زندگی می دهد ...
خلاصه، کتاب حرف فلان را از سر تا بن به دقت مطالعه کردم و در نتیجه بر من معلوم شد که تمام امراض آن کتاب در من موجود است، مگر بیماری (استسقای مرمدم) که

من مدتا مرض داشتم

گرمه گ

را نگاه می کند، و با من از باران و خوبی هوا حرف می زند، و تمام این کارها را هم مجانی انجام می دهد. وارد مطب او شدم. همین که وارد دیدم گفت: هان! باز دیگ چه مرضی داری؟ بر جوابش گفتم: دو سنگ عظیم پیچیده وقت را تلف نمی کنم، زندگی خیلی کوتاه است و ممکن است تو پیش از اینکه من در شمارش امراض خود فارق شده باشم بمیری. پس بهتر است مرضی را که ندارم برای تو بگویم. من فقط به مرض (استسقای مفصل) مبتلا نیستم و خودم هم نمی دانم که چرا این مرض مرا از فیض ابتدای خود محروم ساخته است. ولی چون این یکی تمام بیمارهای دیگر در من وجود دارد. بعد تمام سرگذشت خود را که منتهی به این کشف بزرگ شده بود، شرح دادم.
دکتر زبان من را از دهانم بیرون کشانید و نظری بر آن انداخت. بعد مع دستم را گرفت و بعد در حالی که من هیچ انتظار چنین کاری را از او نداشتم، برضاتی بر سینه ام زد و بلافاصله گوش خود را آن سنباسید. سپس به جای خود نشست و نسخه ای نوشت و تا کرد و بدست من داد من هم نسخه را رد جیب گذاشتم و محکمه بیرون آمدم. نسخه را باز نکرده به نزدیکترین درواخانه بروم و به دست دوا فروش دادم. ناگهی بر آن انداخت و به من پس داد و گفت که به او مربوط نیست. گفتم: مگر شما دوا فروش هستید؟
گفت: چون دوا فروشی بیش نیستم این امر برای من مجال است.
نسخه را خواندم، مضمونش از این قرار بود: یک کیلو گوشت کبابی با یک بطری نوشابه، هر شش ساعت یک بار، و پانزده کیلو متر گردش هر روز صبح ... خواب مرتب هر شش ساعت بآزاده ... دیگر هم مغز خود را در اموری که مربوط به شما نیست خسته نکنید (دستور دکتر را پیروی کردم و از آن نتیجه بسیار خوبی، البته برای خودم گرفتم، یعنی جانم را از مرگ نجات دادم و چنان که ملاظه می فرمایید هنوز زنده ام.

# .. یادها و یادگارها

## این بار



لحظه تحویل سال نو در یکی از روستاهای بزرگ

آموزان با نزدیک شدنم با شتاب دفترش را می بندد . اما دیگران همچنان در حال نوشتن نکته های کنکوری هستند . خیلی خواستم جریان را بدانم از او علت را جویا شدم . با شرم زدگی و ترس بلند شد و برگی از دفترش را گشود و همین که لبخند مرا دید آرام شد و نشست .  
این دانش آموز هنرمند و نقاش همکیش فیروز بهرام تدریس می کردند و همه فرهیختگان این رشته همیشه از او به خوبی یاد می کنند و بیشتر آنها از پزشکان ، دندان پزشکان ، داروسازان و دبیران دبیرستان فیروز بهرام یک مکان بزرگ فرهنگی است سالها زیر نظر انجمن زرتشتیان تهران و به شکل یک دبیرستان ملی اداره می شد و دانش آموزان آنجا را گروهی زرتشتی ، مسلمان و چندین نفر ارمینی و آشوری و کلمبی تشکیل می داد . این رویه تا مهر ۱۳۵۹ ادامه داشت .  
حکیم الهی ، فرسایبی و ... و مدیران زرتشتی آقایان کیخسرو کشاورز و خداداد شهریار زاده این دبیرستان را اداره می کردند و آقای جمشید پیشدانی نیز سالها معاونت آنجا را داشتند .  
یک دبیرستان دولتی و زیر نظر اداره آموزش و پرورش منطقه دوازده تهران قرار گرفت چند سالی چنین بود تا این که اجازه داده شد به شکل یک دبیرستان پسرانه دولتی ویژه اقلیت های دینی درآید و فقط از این دانش آموزان ثبت نام کند که تا کنون این روش ادامه داشته است .  
آخرین مدیر دوران ملی بودن دبیرستان فیروز بهرام ، همکیش فرهیخته و همکار فرهنگیه آقای خداداد شهریارزاده بودند که با تحصیلات فوق لیسانس تاریخ و سابقه

کار فرهنگی بسیار ، تا مهر ۱۳۵۹ آنجا را اداره کردند و بازنشسته شدند . تا آغاز دوره مدیریت آقای خداداد شهریارزاده ، یکی از دبیران پر ارزش فرهنگی آن زمان استاد شاهیون بودند که درس زیست شناسی (جانوری و گیاهی) و درس زمین شناسی را برای دانش آموزان رشته طبیعی ( علوم تجربی ) دبیرستان فیروز بهرام تدریس می کردند و همه فرهیختگان این رشته همیشه از او به خوبی یاد می کنند و بیشتر آنها از پزشکان ، دندان پزشکان ، داروسازان و دبیران دبیرستان ایران هستند و در بیان آنها از همکیشان زرتشتی نیز زیاد به چشم می خورد .  
استاد شاهیون و استاد دفتری از نویسندگان کتاب های درسی جانورشناسی ، گیاه شناسی و زمین شناسی آموزش و پرورش آن دوران بودند که در تمام دبیرستان های کشور تدریس می شد . هر دوی این اساتید در دبیرستان فیروز بهرام درس می دادند و سبب افتخار ما بودند تا اینکه استاد شاهیون برای جراحی چشم ناچار به مسافرت به خارج شد و مرا که یکی از شاگردان دوران های گذشته شان بودم و آن زمان به عنوان همکار فرهنگی می شناختم به جای خود در کلاس های سوم و چهارم تجربی به دانش آموزان معرفی کردند . تدریس در آنجا ۲۲ سال ادامه داشت .  
روزی در سال تحصیلی ۵۹-۵۸ هنگامی که در کلاس تجربی این دبیرستان واقع در طقه بالا ، روبه خیابان در محل کتابخانه آموزشی سرگرم تدریس زیست شناسی بودم و در راهرو وسط نیمکت دانش آموزان کلاس گام بر می داشتم متوجه شدم یکی از دانش

آمروز پس از مدت ها سری به دفتر خاطراتم زدم . شروع به ورق زدن کردم ، انگار هر صفحه بی که به عقب بر می گشتم یک روز جوان تر می شدم . دفتر خاطراتم پر بود . پر بود از خاطره ها ، از یادها ، از یاد کسانی که شاید اکنون در کنارت نباشند یاد کسانی که دوستشان داری و دوست دارند ، یاد گذشته ها و ... در صفحه گوناگون چشم به راه برگی از دفتر خاطرات خواندنی تان هستم یاد یادگاری بماند از شما در بخش یادها و یادگارهای امرداد ! دبیرستان فیروز بهرام یک مکان بزرگ فرهنگی است سالها زیر نظر انجمن زرتشتیان تهران و به شکل یک دبیرستان ملی اداره می شد و دانش آموزان آنجا را گروهی زرتشتی ، مسلمان و چندین نفر ارمینی و آشوری و کلمبی تشکیل می داد . این رویه تا مهر ۱۳۵۹ ادامه داشت .  
حکیم الهی ، فرسایبی و ... و مدیران زرتشتی آقایان کیخسرو کشاورز و خداداد شهریار زاده این دبیرستان را اداره می کردند و آقای جمشید پیشدانی نیز سالها معاونت آنجا را داشتند .  
یک دبیرستان دولتی و زیر نظر اداره آموزش و پرورش منطقه دوازده تهران قرار گرفت چند سالی چنین بود تا این که اجازه داده شد به شکل یک دبیرستان پسرانه دولتی ویژه اقلیت های دینی درآید و فقط از این دانش آموزان ثبت نام کند که تا کنون این روش ادامه داشته است .  
آخرین مدیر دوران ملی بودن دبیرستان فیروز بهرام ، همکیش فرهیخته و همکار فرهنگیه آقای خداداد شهریارزاده بودند که با تحصیلات فوق لیسانس تاریخ و سابقه

## شناسنامه

### آریاک:

نام یکی از سرداران ایرانی و فرماندار کاپادوکیه (آسیای صغیر) نام چهارمین نیای منوچهر

### آریامن:

نام فرمانده ناوگان خشایارشا

### آرتین:

نام هفتمین پادشاه ماد

### آندیا:

نام زن بابلی اردشیر دراز دست

### آمیبتیس:

نام دختر آستیاک ، پادشاه ماد ، زن کوروش



## پیشاپیش

بوی اسپند و کندر ، معطر آویشن سر سفره هفت سین ، ماهی قرمز کوچولوی تنگ شیشه ایی ، آوای اوستای مادر بزرگ وقت تحویل سال!  
با این که همه این ها را هر سال می بینم و حس می کنم ، اما باز هم برای من تازه هستند ، تازه تازه مثل لباس هید ، باز هم نوروز آمد و هنگام تبریک گفتن ، تبریک گفتن ها هم تکراری شده اند ، اما سال نو همه شما مبارک ! این را همه بچه های گوناگون می گویند ، سال نو را با شادی آغاز کنید و با شادی به پایان ببرید ! این آرزوی همه بچه های گوناگون است . دیگر هم ملالی نیست جز دوری شما !

## سیورنگ

### اسم من سنجید است!

میوه من با اینکه کمی گس است ، برگ درخت و میوه خشک من شکم و دهان را جمع می کند . در صنعت داروسازی از گلپهای من جهت معطر کردن بعضی از شربت ها استفاده می شود . میوه من مقوی معده بوده ، و آن را جمع می نماید . میوه من مقوی دماغ و قلب است . میوه من سرشار از ویتامینهای "آ" و "ب" بوده و کمی ویتامین "کا" دارد . ریشه درخت مرا چون قطع کنند ، شیره زیادی از آن خارج می شود که برای شستشوی جامه و بدن به کار رفته و آن را خوشبو می نماید . این شیره برای معالجه امدادی مخصوصا تشمع آن به کار رفته ، و می گویند همانگونه که جامه را پاک می کند ، کید را نیز ششش داده و پاک می نماید . بهترین اثر میوه من دفع کمبود ویتامین "ث" در بدن بوده ، و خوردن آن انسان را از ابتلا به امراض عفونی حفظ می نماید .

### اسم من سیر است!

من دارای انواع و اقسام می باشم . من دارای ویتامینهای ب و ث بوده و مقدار ویتامین "ث" در نوع بیابان من بیشتر است . من ضد عفونی کننده دستگاه تنفس و دستگاه گوارش هستم ، در بیماریهای ویروسی و سیاه سرفه اثر شگفت آور دارم ، اشتهای آور بوده و فشار خون را بطور ثابت پایین می آورم . من محلل غذا بوده و رطوبت معده را جمع می کنم . خوردن من با غذاهای سنگین سبب سبک شدن و سهول الهضم شدن آنهاست . اثر من در فروریدن ورمها و خرد کردن سنگ کلیه قطعی است . مداومت در خوردن من باعث ریختن موی سفید و در آمدن موی سیاه است ، من حافظه را تقویت می کنم و عضلات قلب را تقویت می نماید . مالیدن من باعسل جهت زخم و جوشهای جلدی سودمند است و همچنین سیاهی زیر چشم را از بین می برم و برای ریزش مو مفید می باشم . زیاده روی در خوردن من برای خون ، چشم ، چندان خوب نیست و تولید صفرا می نماید .

### اسم من سماق است!

رنگ میوه من قرمز و قهوه ای است ، طعم میوه من گس است . ولی پس از رسیدن ترش می شود . خوردن گرد سماق با آب سرد از خونریزی داخلی جلوگیری کرده ، و خوردن نیم کوفته آن با آب سرد و زیره برای معده خوب و مفید است . گرد دندانی که در آن گرد سماق باشد ، جهت تقویت و استحکام لثه و جوشهای چرکی دهان و تسکین درد دندان کرم خورده مفید است . صمغ درخت من از آبریزش چشم جلوگیری می کند . چکاندن آب جوشانده آنها در گوش چرک آن را از بین می برد . سرمه آن جهت تسکین فشار و درمان جوشهای پلک مفید است . پاشیدن آن روی زخم سبب التیام آن است و اگر قدری از آن را در سوراخ دندانان کرم خورده بگذارند ، درد آن را تسکین می دهد . من یک پای ثابت سفره هفت سین هستم .

### اسم من سیب است!

من غذای روح و جسم هستم ، عضلات و اعصاب را تقویت می نمایم ، دهان را ضد عفونی می بوی بدن آن را از بین می برم . من مسوم بدن ، مخصوصا "اسید اوریک" را دفع می کنم ، ترشحات غدد ، مخصوصا بزاق و ترشحات معدی را تقویت می کند ، و به هضم غذا کمک می نماید . من با آنکه شیرین هستم ، برای مبتلایان به مرض قند ضرر ندارم . خفقان و تنگی نفس را معالجه می کنم ، مقوی قلب و دماغ و جگر می باشم . ضد سم می باشم و سم عقرب را اخشی می کنم . اگر یک قاچ مرا روی محل گزیدگی نیش عقرب یا زنبور بمالید به درمان آن کمک موثری می کند . یکی از مشخصات خانوادگی ما این است که در تمام فصول سال ، خدمتگزار ما هستیم ، ما انواع زودرس بهاره ، تابستانی ، پاییزی و زمستانی داریم .

## بیمه داتا

نوروز جمشیدی  
بر همگان خجسته باد  
پرویز فروهر تلفن: ۸۸۹۹۲۶۴

## مجاز کن وود ۱۶۷

با یک بازدید مجانی ما با آشنا نشوید  
تعمیرات  
انواع لباسشویی بیخجال آمریکایی  
آدرس: خیابان بیستون - پلاک ۸۲  
تلفن: ۸۰۲۸۵۶۴

## آیین مهر



ایرانیان شنبه و آدینه ناشته اند . چهارشنبه یا یوم الاربعاء نزد عرب ها روز شوم و نحسی است . این است که ایرانیان آیین آتش افروزی پایان سال خود را با شب آخرین چهارشنبه انداخته اند تا پیش آمدهای سال نو از آسیب روز پلیدی چون چهارشنبه برکنار آید .  
آتش افروزی شب چهارشنبه آخر سال یا شب چهارشنبه آخر صفر را برخی به قیام مختار نسبت می دهند :  
مختار سردار معروف عرب وقتی از زندان خلاصی یافت و به خونخواهی شهیدان کربلا قیام کرد ، برای اینکه موافق و مخالف را از هم تمیز دهد و بر کفار بتازد ، دستور داد شیعیان بر بام خانه خود آتش روشن کنند و این شب مصداق با شب چهارشنبه آخر سال بود و از آن به بعد مرسوم شد .  
در برخی از شهرهای آذربایجان چون ارومیه ، اردبیل و زنجان همه چهارشنبه های ماه اسفند هر یک نقش و نام معینی دارند .  
در برخی از شهرهای ایران از جمله ایلام (نوروز آباد) ، تویرکان ، کاشان ، زاهدان (قصه مود) و ... « مراسم چهارشنبه سوری » رادر آخرین چهارشنبه ماه صفر برگزار می کنند و افروختن آتش نیز از جمله رسم ها است . در اصفهان چهارشنبه سوری را « چهارشنبه سرخی » نیز می گویند .  
امروزه وجود تکنولوژی جدید خانه سازی ، ایجاد مجموعه های مسکونی آپارتمان نشینی ، در دسترس نبودن « بوته و هیمه » (به علت استفاده از گاز و برق به عنوان وسیله حرارتی) ، در اختیار نداشتن کوزه و پشت بام و فضای مناسب جلوی در خانه و دگرگونی های دیگر فرهنگی سبب شده « مراسم چهارشنبه سوری » هنوز چهره نمادین خود را با دشواری و به ویژه در شهرها و محله های سنتی نگه دارد .

یکی از آیین های نوروزی امروز که بایستی آمیزه ای از چند رسم متفاوت باشد ، مراسم چهارشنبه سوری است .  
برگزاری چهارشنبه سوری در بیشتر شهرها و روستاهای ایران بدین گونه است که شب آخرین چهارشنبه سال نزدیک غروب آفتاب بیرون از خانه جلوی درب ، در فضایی مناسب ، آتشی می افروزند و اهل خانه ، زن و مرد و کودک از روی آتش می پرند و با گفتن « زردی من از تو سرخی تو از من ! » . بیماری ها و ناراحتی ها و ننگرانی های سال کهنه را به آتش می سپارند تا سال نو را با سودگی و آسودگی کنند . تا زمانی که از طرف های سفالیون چون ؛ کاسه و بشقاب و کوزه ، کوزه ی کهنه ای از پشت بام خانه به کوجه می انداختند .  
کوزه ای که در آن آب و چند سکه ریخته بودند . اسفند دود کردن و آجیل خوردن ، فال گرفتن ، فال گویش و « قاشق زنی » نیز از باورهای و رسم های است که هنوز هم به ویژه در بین نوجوانان ، فراموش نشده است ، و این رسم ها و باورها در شهرهای مختلف با یکدیگر متفاوت اند . بی گمان چهارشنبه سوری از رسم های کهن پیش از اسلام نیست چرا که در آن زمان هر یک از روزهای ماه نامی داشت و روزهای هفته را با نام به کار نمی بردند .  
استاد پور داوود در این باره می نویسد :  
آتش افروزی ایرانیان در پشتیبانی نوروز از آیین های دیرین است . شک نیست که افتادن این آتش افروزی به شب آخرین چهارشنبه ی سال ، پس از اسامی رسم شده است . چه

## دعای تحویل سال

**رییس انجمن:** خدایا، کاری کن تا ما سالم از سر جلسات هیات مدیره بیرون بیاییم!

**رییس کمیسیون موقوفات:** خدایا، ما را هر چه سریعتر از شر این سرایدار آذریان خلاص فرما!

**رییس کمیسیون ساختمان:** خدایا، چند عدد مهندس و مهندس ناظر و بنا و کارگر و مصالح فروش و از این جور چیزها برای ما بیافرین مفت و مجانی، تا این ساختمان های نیمه ساز را بسازند!

**رییس کمیسیون مالی:** خدایا، اعضای انجمن را یاری کن تا کمتر خرج روی دست انجمن بگذارند!

**رییس کمیسیون آموزشی:** خدایا، یک مدیر خوب برای مدارس ما پیدا فرما!

**رییس کمیسیون فرهنگی:** خدایا، به بزرگیت قسم کاری کن تا این جشن های ماهیانه خودشان برگزرا شوند!

**رییس سازمان فروهر:** خدایا، مهر ما را در دل انجمن بینداز تا اسمال هم ما جشن سده را برگزار کنیم! زمین وصال را هم قول می دهیم به کسی ندهیم!

**رییس کانون دانشجویان:** خدایا، یکی از چک های داخل گاو صندوق انجمن را به گاو صندوق ما هدایت فرما!

**رییس سازمان پذیرایی:** خدایا، غذاهای ما را سالم بفرما!

**نماینده:** خدایا، به زرشک پولی که آفریدی قسم، کاری کن تا زودتر ساختمان وصال ساخته شود.

**سر دبیر:** خدایا، شماره های بعدی امرداد را خودت غلط گیری فرما!

**مدیر مسوول:** خدایا امرداد را هشت صفحه بفرما!

**گروه چکاچک:** خدایا، به قلم سوگند، جوهر خودکار قرمز سردبیر را به پایان برسان!

ما توی پستوی چکاچک به آدم بهانه گیری داریم که همش از کارمون ایراد می گیره . مثلا می گه: این چیزا چیه که می نویسید به آدم برمی خوره . هر چی بهش می گم یا با این طنزه! ما مسخرگی پیشه کردیم . به دل نگریه! تو گوشش فرو نمی ره . نمی دونیم با چه زبونی بهش بگیم بابا جون عزیزم ، ما هم گشتیم وسط همه پیغمبرها هر جیس را انتخاب کردیم ، یعنی توی کارمون طنز را . پس نباید این چیزها که می گیم تو رو ناراحت کنه توی گوشش فرو نمیره . امیدوارم شما بدونید این حرفها جدی نیست . همه گوشش ما اینه که لیخندی گوشه لبان شما نقش بندنه ! مگه ما مریضم که کسی رو از خودمون برنجونیم ، اون هم آدم هایی مثل شما که مخلص تک تک تون هم هستیم ! مگه نه اینه که اشورتشت فرموده : جهان را آباد و جهانیان را شاد سازیم . خوب دیگه ما هم می خواهیم تا می تویم به این گفته عمل کنیم . به اتاق چکولو داریم که بالاچار خیلی صمیمی کنار هم میشینیم . شما هم اگر فکر می کنید ذوقی تو این کار دارید بیاید با ما همراه بشید تا این گروه صمیمی را گنده اش کنیم .

**میردیند چکاچک توی فرهنگ دهخدا به معنای چک چک کردن یا پیج پیج کردن و خندیدن آمده!** ما هم در گوشش پیج پیج می کنیم ولی صدای پیج پیج ما به گوش شما هم می رسه .

گروه چکاچک



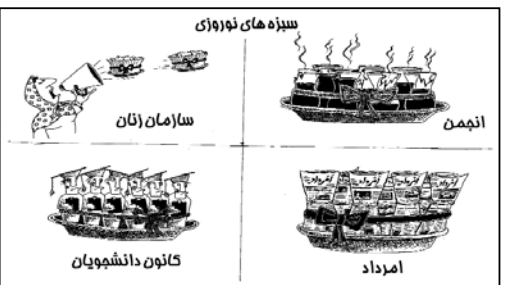
## سال اسب

آورده اند که درگاه شماری هر سال را به نام حیوانی خوانند و پیشگویان و روسا ، احوال سال را برابر با حالات آن حیوان بر زبان آورند و آورده اند که چون گاهنامه دیواری سال ۸۱ را نشان دهد ، آن سال را سال اسب نامند . و گویند که چون اسب تند دود امور مهمانی نیز به همان سان به تندی گذرد و چنانکه در میانه های خرداد ، کار تمامی انجمن ها به انتها رسد .

در این سال کاه و پونجه همی افزون گردد ، از بهراسیان و از ما بهتران و چنان باشد که آتش رشته از مد بیفتاده و آتش پونجه و آتش کاه مرسوم گردد . و هر عضوی که در ابتدای سال اسب استعفا دهد ، چون اسبالم او را گرفته و بیمار خواهد شد و هر عضوی که در میان سال اسب استعفا دهد ، بر اسب نشیند و استعفایش مقبول افتد و هر عضوی که در انتهای سال اسب استعفا دهد ، باید برود کنکش را سایش نماید و روزگار وی تیره گردد . آورده اند که در این سال اسب زمین ها افزون و بسیاری اسناد از زیر قالی ها پیدا گردد تا کاه و پونجه اسبان بر آنها بکارند و سالیهای دگر روسا زمین ها را بدهند و بروند . در این سال سخنرانان همچنان بگویند و انجمن ها همچنان بخوانند . در این سال از خیر سر اسب بودجه ها از آسمان بارد و گوشک ها ساخته شوند و این از برکات آتش کشک پونجه خاله باشد که خواستن یا نخواستن توفیری نخواهد داشت . آورده اند که در این سال بیلان و ترازا نباشد و همه بی خیال گردند چون اسب . صندوق ها انباشته شوند و بی چیزان را چیزی نرسد . در این سال بیماران را درمانگاهی باز ساخته شده باشد یا دری بسته و نوعروسان و تازه دامادان از کار خود پشیمان شده و کسی را به گواه آنان نباشد و دنیا به کام سر دفتر یزدیان !

و این سال چنان باشد که در انتهای آن گویند : هر چه آید سال نو گویم دریغ از پارسال !

## دیابت



سین من	سین تو	سین ما
هفت دلاور .....	خانه پس از رفتن مهمان .....	سفره عید
خانه روی آب .....	خانه پس از رفتن مهمان .....	خانه پس از رفتن مهمان
قرمز .....	چهره میزبان در عید .....	چهره میزبان در عید
خواب سفید .....	سفره در عید .....	سفره در عید
مزامح .....	میهمان نوروزی .....	میهمان نوروزی
برنده کوچک خوشبختی .....	تعطیلات عید .....	تعطیلات عید
چشمه های برای تو .....	مهمانی رفتن .....	مهمانی رفتن
عشق بدون مرز .....	خوردن میوه و شیرینی .....	خوردن میوه و شیرینی
	آچار فرانسه شیرازی .....	آچار فرانسه شیرازی

### ضرب المثل های امروزی و نوروزی

میزبان شکمو دیده از آدم سیاه و سفیدی می ترسه!  
با آذریان آذریان گفتن، آذریان ساخته نمی شه!  
خیلی عیدی می ده ، سراغ میوه و شیرینی رو هم می گیره!  
قربون بند کیفتم ، عیدی بدی رفیقتم!  
عیدی صد تومانی نقد به از هزار تومانی نسیه!  
شیرینی کم بخور ، کاکا برادر!  
میوه و شیرینی نخورده و حال گرفته!  
آذریانی که ساخته نمی شه ، حرفش برای چیه ؟  
سالی که نکوست از امردادش پیداست!

### کی چی عیدی می ده ؟

انجمن ..... صبح تا شب دعوا  
سازمان فروهر ..... "نت فا"  
سازمان زنان ..... "گردهمایی" "شبها"  
کانون دانشجویان ..... مسابقه "گاتنا"  
امرداد ..... ویژه نامه "ما"  
گروه چکاچک ..... صفحه "گرم"  
سر دبیر امرداد ..... بهانه بیجا

### ساعات دقیق تحویل سال در نقاط مختلف جهان

بنا بر گزارش دولت خانم کنجکاو ، ساعت تحویل سال در نقاط مختلف به شرح زیر می باشد :

مطابق ساعت دیواری امرداد : روز ۲۹ اسفند ساعت ۴:۴۶ / مطابق ساعت دیواری کرمان : روز ۲۹ اسفند ساعت ۴:۲۶ / مطابق ساعت میچی اینجانب مارمولک : کوک نشده ، ساعت تحویل مشخص نیست / مطابق ساعت دیواری دیواری رستم باغ : ساعت شکسته / مطابق ساعت دیواری انجمن : طی درگیری عقربه اش افتاده / مطابق ساعت دیواری محله : روز جمعه ۲ فروردین ساعت ۹ صبح / مطابق ساعت دیواری مارکار : از تمیزی ناپدید شده است / مطابق ساعت دیواری معبد : گریه ها مشغول بازی با آن هستند / مطابق ساعت دیواری اله آباد : چون سال تحویل شب است ، ساعت را نمی توان دید / مطابق ساعت دیواری خرمشاه : هنوز ساعت در آنجا اختراع نشده است / مطابق ساعت دیواری زین آباد : آب باعث خرابی آن شده / مطابق ساعت دیواری علی آباد : ساعت پر از ریگ است / مطابق ساعت دیواری تفت : سر جایش نبود .

مارمولک

### راستین هسکن

بهار آغاز است ...  
آغاز همه ی زیبایی ها و سرسبزی ها  
این آغاز بر شما مبارک باد  
تلفن ۸۰۲۳۵۲ - ۸۰۲۳۶۴۲

## تحویل سال بطور گذشت؟

شین بوده ، شربت ، شیرین ، شکر ، شیر ، را هم سر سفره گذاشتیم و علاوه بر وسایل هفت سین ، به رسم خود و سرزمینم وسایل و خوردنیهای را روی سفره گذاشتیم . صدای همسایه رویه رویی کوچمه مرا جلب کرده که سر همسر خود فریاد می کرد: اینکار را بکن ، آن شیشه را پاک کن . من به این فکر کردم که این همه حرص و جوش برای چیست مگر بدون این حرص وجوشها سال تحویل نمی شود . در همسایگی ما یک پیرزنی بود اهل کرمان که به او نونو می گفتند . او هم خیلی به من راهنمایی کرد و چیزهایی را گفت که ارباب چونگری نگفته بود . آنها را هم سر سفره گذاشتیم بعد سفره ای غذا برای خود چیدم و مشغول خوردن شدم . به چیترا هم مقداری فندق دادم ، چون نونو گفته بود که باید با شکمی پر سر سفره نشست . هنوز نیم ساعتی مانده بود . گفتم بروم به دولت خانم کنجکاو سری بزنم چون هنوز خودم را به طور کامل برای او معرفی نکرده بودم . در منزل او را زدم . او در مرا باز کرد ، یک گوشی تلفن در این دستش بود و یکی دیگر در دست دیگرش . با سر برآیم اشاره کرد که بنشینم . یک گوشی که قطع شد ، برایش فکسی آمده بود که تند و تند مخابره می شد . کامپیوترش روشن بود . ۴ فکس ، ۳ خط تلفن ، ۴ میوه و همه رنگ می زدند و خبرها را مخابره می کردند .

## از دفتر خاطرات یک جهانگرد

از دفتر خاطرات یک جهانگرد ، ماجراجوی بزرگ ، ماجراجویی که مکانهای بزرگ را زیر پا گذاشته و اکنون در جوامع کوچکتر پیدا شده تا سری در مکانهای آنجا بیاندازد .

بله ! من آگای گایبور هستم که به همراه سنجایم ، چیترا از شهری در چندان خوش آب و هوا (از ترس هجوم مردم بهتر است اینگونه گفته شود ) به بهران پایتخت پیران آمده ام و سال نو را برای آمدن انتخاب کردم چون براساس نوشته ها نوروز گاه بالیدن آبست .

نوروز ، روز خنده طبیعت بر جهان هستی است و هوا ، هوای خوبی است برای تفریح و جهانگردی .

دو هفته زودتر به اینجا آمده ام ، طی این دو هفته دوستان زیادی پیدا کردم که کمک زیادی به من کردند دوستانی مانند : ازیاب چونگری و خانم مهربانی به نام مکتا به سر . و پیرزن مهربان کرمانی که همه به او نونو می گفتند و حال این است برگهایی از دفتر خاطرات من :

**روز سال تحویل:** صبح که بلند شدم بعد از صرف قهوه و صبحانه بر خلاف گفته های مکتا به سر که گفته بود ۵ روز آخر سال که ۵ روز پنجه است باید کاری نکرد و برای شادی فروهر در گذشتگان نیایش کرد و به گردگری نهائی پرداختم . روی میز ، آینه ، آشپزخانه ، ..... غذاهایی که باید بخورم و بر سر سفره هفت سین بگذارم را پختن ، میوه و نان شستم ، شیرینی را چیدم ، روی آن نایلونی کشیدم تا خشک نشود . این شیرینی ها را یکی از دوستان بعد از سفری که به کرمان داشت برایم آورده بود . کلمپه ، کماچ سن ، بیسکویت چرخی و ...

سه ساعت مانده بود به سال تحویل ، به حمام رفتم ، حمام آخر سال . چیترا را هم حمام کردم و بعد قهوه ای خوردم . موهایی چیترا را هم بشویدم و حالت دادم . و بعد خودم به چیدن سفره هفت سین پرداختم . البته با کمک مکتا به سر و ازیاب چونگری چون آنها از قبل وسایل را روی گاغدی نوشته بودند . آنها را از قفسه ها پیدا کردم . و چون آنها گفته بودند قبلا هفت



## زمین های مارکار یزد متعلق به انجمن زرتشتیان تهران نیست

ریس انجمن زرتشتیان تهران:

چهل درصد زمین های مارکار یزد که در اختیار انجمن زرتشتیان تهران بدون اجازه زرتشتیان تهران است، متعلق به انجمن ایرانی-بمبئی است. در مورد این زمین ها تصمیم گیری کند و آنها را واگذار کند و سی و ششمین نشست هیات مدیره انجمن زرتشتیان تهران، در روز سه شنبه ۱۸ اسفند ماه در محل دفتر انجمن زرتشتیان تهران برگزار شد. در این نشست، مهندسین و کارشناسان این انجمن در مورد زمین های مارکار یزد بحث و تبادل نظر کردند. در این نشست، مهندسین و کارشناسان این انجمن در مورد زمین های مارکار یزد بحث و تبادل نظر کردند. در این نشست، مهندسین و کارشناسان این انجمن در مورد زمین های مارکار یزد بحث و تبادل نظر کردند.

### راه حل مشکل پایین بودن سطح علمی مدارس دخترانه زرتشتی: غیرانتفاعی کردن یا شرط معدل کدام یک؟

مشکل پایین بودن سطح علمی مدارس دخترانه متعلق به انجمن زرتشتیان تهران و کاهش نامنویسی در این مدارس، در نخستین نشست رسمی انجمن اولیاء مربیان مشترک مدارس زرتشتی بررسی شد. به گزارش خبرنگار امرداد: در این نشست که با نظارت کمیسیون آموزشی انجمن وارد می شود، تعداد دانش آموزان در این مدارس برای حدود ۷۰ نفر کاهش می یابد. در صورت امکان برای دانش آموزان غیر زرتشتی، به عنوان یکی از راه حل مطرح شد. راسخی عضو هیات مدیره انجمن زرتشتیان تهران نیز برای حل این مشکل به ایجاد مجتمع آموزشی غیر انتفاعی شامل

## مستون آزاد

الو، روز بخیر، امرداد! پیام گیر امرداد روی خط ۰۶۸۲۴۸۰۶

بازتاب پیام ها، پیشنهادها و انتقادهای شما



با توجه به اینکه همه ساله گردشگران زیادی از آتشکده و گنجینه میراث فرهنگی زرتشتیان کرمان بازدید می کنند، اما گنجینه یاد شده همچنان به طور علمی نگه داری می شود و بیشتر به انبار شباهت دارد.

مهران غیبی از کرمان

خواستم از انجمن زرتشتیان تهران سوال کنم که ساختمانی که در وسط مدرسه آرش تهرانیارس می سازند چه ساختمانی است؟ آیا آنها اجازه داده اند و اگر اجازه نداده اند چرا اقدامی نمی کنند؟

یکی از دوستداران جامعه

در نشریه تان درباره ی بیماری ها و درمان آنها هم مطلب بنویسید.

بدون نام

در واپسین نشست کنکاش یگانگی عنوان شد:

## لازمه مطرح بودن در جهان استفاده از ابزار مدرن است

دیگران گفت: یکی از راه حل ها در این زمینه انتشار کتاب است. اما امروز دیگر عصر کتاب های چاپ شده نیست، عصر کتاب به صورت CD است. وی بر لزوم آموزش اینترنت و راهکار های مدرن به افراد جامعه تاکید کرد و آن را راهحلی برای گردآوردن مسائل روزمره جامعه و تعیین دستور نشست های آینده کنکاش برگزارد می شد، با بیان این مطلب با اشاره به ضرورت شناساندن جامعه زرتشتی به

دیگران گفت: یکی از راه حل ها در این زمینه انتشار کتاب است. اما امروز دیگر عصر کتاب های چاپ شده نیست، عصر کتاب به صورت CD است. وی بر لزوم آموزش اینترنت و راهکار های مدرن به افراد جامعه تاکید کرد و آن را راهحلی برای گردآوردن مسائل روزمره جامعه و تعیین دستور نشست های آینده کنکاش برگزارد می شد، با بیان این مطلب با اشاره به ضرورت شناساندن جامعه زرتشتی به

**آجیل و خشکبار سرو**  
قد سبز، شیرینجبات یزدی سوغات  
شهرستانها  
تهیه مرغوبترین آجیل (لرک) جهت هر گونه مراسم در خدمت همکیشان  
گرامی می باشد  
کوی نصر (گیشا) نبش خیابان پانزدهم  
پلاک ۱۸۰  
تلفن: ۸۲۷۴۳۶۵

بهرترین پاداش مزدا به کسانی خواهد رسید که نام نیکی از خود به یادگار گذارند. گاتها با سپاس از همکاری و همیاری کلیه همکیشان و هم میهمان گرامی در انتشار و چاپ سالنمای ۱۳۸۱ راستی  
موبدان:  
زنده یاد رستم جمشیدی گلچینگر اشیدی، گوروش نیکام، رستم بزنی، بهزاد نیکدین  
فرزاتگان ارجمند  
دکتر خسرو دستانی نماینده زرتشتیان ایران، هرمزدار هرمزیداری - جمشید خسروانی و کیل پایه یک دادگستری، داریوش افسر کشمیری، مشاور املاک راستین مسکن، ماشین سازی و سپان، شرکت آبیاری یگانگی، فروشگاه پارسیان، نمایندگی بیمه آسیا بهرامی، انتشارات فروهر خانواده های مروراید فریدون سلامتی و ورثه ماوندادی  
انجمنهای زرتشتیان  
اصفهان، اهواز، کرمان، شیراز، یزد، نرسی آباد، خرمشاه، نصر آباد، گاتها یویان یزد  
خبریه شاهجهان دهموبد، بنیاد فرهنگی جمشید و دو هفته نامه امرداد - کانون دانشجویان زرتشتی و کلیه نمایندگان گیتهای فروش در تهران و شهرستانها.  
و هم میهمان گرامی  
آژانس خطیبی، ماشین سازی فرش، آقایان حقیقی، کریمی، سجادی، نصیری، دونایی با امید همزوری بیشتر برای چاپ و نشر زیارت سالنما و گاتها در سال ۱۳۸۲.  
ایدون باد  
هر وزتان چون نوروز باد  
چاپ و سالنمای راستی

بنیاد فرهنگی جمشیدی  
با عرض تبریک سال نو خدمت تمامی عزیزان کلاسها و تشنه های دانش و فرهنگی سال ۱۳۸۱ را اعلام می کند  
اوستا خوانی :  
موبد فیروزگری  
گاتها در ایران :  
دکتر حسین وحیدی  
از اسطوره تا تاریخ ایران  
استاد رهامرادی هیات ابدی  
آموزش خط و زبان پهلوی  
دکتر کامیون نمیرانیان  
بزوش های فرهنگ ماهی  
دکتر محسن مین دوست  
تلفن: ۸۸۲۵۲۱۲

**موبایل کامبیز**  
مرکز خرید و فروش  
فیش و سیم کارت (صفر و کار کرده)  
نقد و اقساط  
با تخفیف ویژه برای همکیشان  
تلفن: ۰۶۵۲۰۵۸۰۰  
۰۹۱۳۲۲۳۲۴۴

**نوروز باستانی**  
**خجسته باد**  
پلاستیک سازی دهنادی  
نشانی کیلومتر ۱۷/۵ جاده مخصوص کرج  
خیابان دارو پخش، خیابان مهندس خود کار  
تلفن: ۰۲۶۲-۲۸۳۱۴۴۲  
فاکس: ۰۲۶۲۰۳۸۳۱۴۴۳

**مرکز خدمات کامپیوتر**  
عرضه کننده انواع CD  
گیتهای کامپیوتری  
کارتون  
نرم افزار  
آدرس: یوسف آباد خیابان فتحی شقایق میدان سلماس نوشت افزار مهرتن  
تلفن: ۰۲۶۴۴۲۰۲ همراه: ۰۹۱۱۲۳۹۷۱۳۳۳ کامران پیر غیبی

**فدایم گوشنی**  
انواع لوازم آیینی زرتشتیان  
تعمیرات  
آیین های قدیمی  
تمثال اشو زرتشت  
قبول سفارش برای خارج از کشور  
تلفن تهران: ۰۲۶۴۴۲۰۲ تلفن یزد: ۰۵۹۹۰۵۹۹۰۲

**اُمرداد**  
خبری، فرهنگی، اجتماعی  
صاحب امتیاز: بنیاد فرهنگی جمشیدی (جاماسیان)  
مدیر مسئول: جمشید کیومرثی  
سردبیر: اتوسادیناریان  
مدیر هنری: کیخسرو خادم  
حروف آرا: بهاره کیومرثی  
مدیر آگهی ها: مژگان مژگانی  
لیتوگرافی و چاپ: کیان  
نشانی: خردمند شمالی، کوچه ۶ شماره ۲، کد پستی ۱۵۵۸۸  
تلفن: ۰۶۸۲۴۸۰۶ شماره: ۸۸۲۴۸۰۶  
مقالات چاپ شده از امانت نظر امرداد نیست. امرداد در ویرایش مطالب آزاد است.  
پست الکترونیک: amordad@hotmail.com

**تماس تلفنی با خارج از کشور**  
(بدون نیاز به کامپیوتر)  
خدمات اینترنت  
خدمات سخت افزار  
آرش ۰۹۱۲۲۱۰۵۶۲۹  
Sepanta Network Solutions  
خدمات و فروش: چاپخانه راستی

**داروخانه نورشید**  
حافظ داروهای ترکیبی - محصولات آرایشی و بهداشتی  
آدرس: قلمی، بلوار گیتا، مجتمع پزشکی گیتا، پلاک ۲۳۸  
تلفن: ۸۰۰۵۳۳۰

**همکار گرامی**  
خانم منیره دینپاری  
ما را در غم از دست دادن مادر بزرگتان تعویض روغن شریک بدانید همکارانتان در امرداد

**خدمات اتومبیل آرش**  
مکانیکی، جلوبندی، تنظیم موتور، جعبه فرمان، تعمیر کاربوواتور (با گارانتی سه ماهه)، شیشه بالابر و قفل اتومبیل و تعویض روغن  
خ قلمی - مقابل هتل لاله - ج باباطاهر  
نبش کوچه نادر ۹۶ تلفن ۸۹۷۰۴۶۷

**خدمات برق**  
سسیم کشی ساختمان  
نصب اف اف، تایمر راه پله، هواکش  
تعویض سیم کشی منازل  
رفع اتصال برق و تلفن  
تلفن: ۰۹۱۱۲۹۶۰۵۷.۸۸۸۲۲۶۲

**دفتر اجرایی مهندسین، قویترین مشاور شما در امر ساختوساز**  
آماده ایم تا ملک کلنگی با زمین شمارا در مناطق ۷ تا ۱۴ با نظارت خود شما بصورت مشارکت یا پیمان مدیریت از مرحله تهیه نقشه ها تا مرحله صدور پایان کار زیر نظر مجرب ترین مهندسین با بهترین مصالح و در کوتاهترین زمان ساخته و تحویل نماییم  
تلفن: ۰۹۱۱۲۹۶۲۳۷